

دو چهره تمدن غرب*

در این مجال کوتاه گزارشی از سفر علمی خود به کشورهای فرانسه، آلمان و سوئیس را تحت عنوان «دو چهره تمدن غرب» ارائه می‌کنم. انسان وقتی که به غرب سفر می‌کند آشکارا با دورویه تمدن آن مواجه می‌شود: یکی چهره نظم و دیگری چهره تنهایی انسان غربی است. در این جاست که انسان دچار یک پارادوکس و تعارض می‌شود که اینها چگونه چنین تمدنی ساخته‌اند، چرا افسرده‌اند و چرا این همه تنها هستند؟ وقتی وارد نظام‌های اداری یا دانشگاهی آنها می‌شوید، بسیار پیشرفته‌اند و نظم فوق العاده‌ای بر آنها حاکم است؛ مثلاً مهمان دانشگاه سن شومن** فرانسه که بودیم مشاهده می‌کردیم که چند نفر کارمند آن دانشگاه را به خوبی اداره می‌کردند و همه کارها با کامپیوتر انجام می‌شد یا وقتی که وارد فرودگاه‌های بزرگ می‌شدید، می‌دیدید که فقط دو سه نفر همه کارها را به درستی انجام می‌دهند؛ در واقع یک نظم جالبی بر زندگی انسان غربی حاکم است.

* سخنرانی فوق توسط حجة الاسلام والمسلمین دکتر داود فیرحی استاد یار علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و دانشگاه تهران در سالن ۱۵ خرداد دانشگاه باقرالعلوم (ع) برگزار شده است.

** شومن یکی از متفکران غربی و بنیان‌گذار حقوق بشر از دیدگاه اروپاییان است.

اما در کنار این نظم جذاب، وقتی که غروب‌ها به میدان‌های عمومی شهرهایشان می‌روی، احساس می‌کنی که هیچ دو نفری نیست که با هم دوست باشند، نوعاً تنها هستند و یا با سگ و گربه زندگی می‌کنند. واقعاً انسان غربی را در اوج تنهایی اش می‌بینی که فقط با سگ و گربه اش و دیگر حیوانات مأنوس است! این دو چهره تمدن غربی است که در همه شهرهای غربی می‌توان دید: دانشگاه‌های بسیار پیشرفته و انسان‌های بسیار تنها که آدمی یاد کتاب دزموند موریس می‌افتد و آن باغ وحش انسانی، که در آن انسان‌ها بسیار منظم و در عین حال تنها و اسیرند.

سخنم درباره تمدن غرب است، چون احساس می‌کنم ما هم با آن درگیر هستیم. به نظر می‌آمد که کشورهای غربی مصمم هستند نظم جدیدی را برای قرن بیست و یکم تأسیس کنند و این نظم جدید برای دست‌یابی به دو هدف اساسی ارائه شده است: یکی گسترش گفت‌وگو و چانه‌زنی که در این کشورها به ویژه مثل فرانسه دیده می‌شد و اینان علاقه چندانی به فشارهای نظامی نشان نمی‌دادند؛ دومی گرایش به گسترش حقوق بشر. در این سفر در دوره‌ای شرکت کردیم به نام «سی و یکمین جلسات حقوق بشر» که در آن کارشناسان سازمان ملل از وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف جهان گزارش می‌دادند. آنچه که در این جا برایم مهم بود، این که چگونه حقوق بشر را می‌خواهند گسترش بدهند آن هم با ابزار گفت‌وگو؛ البته از آن جهت که گفت‌وگوی تمدن‌ها شعار ایران برای ۲۰۰۱ بود نیز این موضوع برایمان اهمیت پیدا می‌کرد. در این جا خلاصه این جلسات را خدمت عزیزان ارائه می‌کنم. شایان ذکر است که جلسات حقوق بشر که تاکنون در کشورهای مختلف اروپایی تشکیل شده، وظایف مهمی را برعهده داشته است. از وظایف مهم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل گسترش نهادهای حمایت‌کننده حقوق بشر است و در آن بخشی وجود دارد تحت عنوان The Systems Protection of Human Rights (بخش سیستم‌های حمایت از حقوق بشر). غربی‌ها این سیستم‌های حمایتی را با سه روش دنبال می‌کردند: اولی، سیستم سازمان ملل است که اینان سعی می‌کردند با تکیه بر سازمان ملل و برنامه‌های داخلی این سازمان، حقوق بشر

را در کشورهای مختلف جهان گسترش دهند.

دومی، تأسیس سازمان‌های منطقه‌ای حقوق بشر* است. در این جا همواره تلاش می‌کنند از فشار دولت‌ها بر مردم جلوگیری بکنند. سیستم‌های منطقه‌ای دارای سه بخش هستند:

یکم، سیستم اروپایی حمایت از حقوق بشر؛ دوم، سیستم آمریکایی حمایت از حقوق بشر؛ سوم، سیستم آفریقایی حمایت از حقوق بشر. هر یک از این بخش‌ها دارای دو قسمت هستند: یکی شورای حقوق بشر مانند شورای حقوق بشر اروپا و دیگری دادگاه حقوق بشر مثلاً دادگاه حقوق بشر اروپا. این دادگاه مستقل است، یعنی در برابر تعدی دولت‌ها به حقوق افراد از حقوق افراد مثلاً اروپایی‌ها حمایت می‌کند. این سیستم در اروپا و قاره آمریکا و نیز قاره آفریقا تشکیل شده است. نکته خیلی جالب این که در این خصوص آسیا عقب مانده‌ترین منطقه جهان محسوب می‌شد، چون آسیا هنوز موفق نشده سیستم آسیایی حقوق بشر را تأسیس کند. تنها تلاش‌های محدودی از طرف رئیس جمهوری ایران و یکی دو قرار داد در کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران و نیز فعالیت‌های محدودی در جنوب شرقی آسیا تحت تأثیر ژاپن انجام گرفته است؛ از این رو در سی و یکمین جلسه حقوق بشر، کارشناسان سازمان ملل معتقد بودند آسیایی‌ها هنوز نتوانسته‌اند سیستم منطقه‌ای حقوق بشر را تأسیس کنند، به این دلیل که دولت‌های آسیا دولت‌های یک‌دستی نیستند: دولتی‌هایی هستند کمونیستی با حقوق کمونیستی، دولت‌های اسلامی با حقوق اسلامی و دولتی‌هایی لیبرال با حقوق سرمایه‌داری مثل ژاپن، کره جنوبی، تایوان و بخش‌هایی از چین.

تحلیل کارشناسان سازمان ملل این بود که آسیا مهم‌ترین و بحرانی‌ترین منطقه جهان در قرن بیست و یکم خواهد بود، به این دلیل که هنوز به سمت گفت‌وگو حرکت نکرده است. نکته بسیار جالب این که آسیایی‌ها و مسلمانان به ویژه

* Local System of Protection of Human Rights

جمهوری اسلامی ایران منادی گفت و گوی تمدن‌ها هستند؛ اما در این منطقه هنوز تلاش‌های قابل توجهی در این زمینه صورت نگرفته است.

درباره سیستم‌های منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر لازم است توضیحاتی بدهم. در میان این سیستم‌ها پیشرفته‌ترین سیستم منطقه‌ای را اروپایی‌ها تأسیس کردند. همان طور که می‌دانید اروپایی‌ها شورای اروپایی و دادگاه اروپا را تأسیس کردند که مرکزش در استراسبورگ فرانسه است. اروپایی‌ها هم اکنون به تدریج به سمت ایجاد شناسنامه واحد و ویزای واحد به نام «شناسنامه و ویزای شینگن» می‌روند؛ شناسنامه شینگن به این معناست که مثلاً شهروند فرانسوی با شناسنامه شینگن می‌تواند آزادانه در همه اروپا مانند آلمان، ایتالیا و دیگر کشورهای اروپایی گردش کند، تجارت کند بدون این که عوارض گمرک بپردازد، ساکن شود، کار بکند، بدون این که به ویزا و پاسپورت نیاز باشد. در کنار این سیستم، سیستم «ویزای شینگن» هم دارند، به این صورت که اگر فردی برای یک کشور اروپایی ویزا بگیرد آزادانه می‌تواند در همه کشورهای اروپایی زندگی کند و گردش کند. همچنین اروپا به سوی نظام پولی واحدی به نام یورو می‌رود، یعنی دیگر دولت‌های اروپایی احتیاج به پول ملی نخواهند داشت. هم اکنون این پول در فروشگاه‌های بزرگ* به صورت اعتبار قابل عرضه است.

دومین سیستم منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، سیستم منطقه‌ای آمریکایی است که مرکزش در کاستاریکاست. این سیستم منطقه‌ای نیز هم دادگاه آمریکایی دارد و هم شورای حقوق بشر آمریکایی، که همه کشورهای آمریکایی در آن عضو هستند. سیستم آمریکایی کمی عقب مانده‌تر است یعنی خصلت دموکراتیک ندارد و آن هم به علت سلطه ایالات متحده آمریکا بر دیگر کشورهای این منطقه است. سومین سیستم منطقه‌ای، سیستم حقوق بشر آفریقا است که مرکزش در آفریقای جنوبی قرار دارد. این کشورها نیز به سمت اتحادیه‌های بزرگ آفریقایی حرکت

* Big Shoup

می‌کنند؛ اما آسیایی‌ها هنوز به این سمت حرکت نکرده‌اند؛ بنابراین در آسیا هیچ نهادی وجود ندارد که در مقابل دولت‌ها از حقوق افراد و مردم دفاع کند.

سومین روش حمایت از حقوق بشر که سازمان ملل در نظر گرفته، نظارت ویژه است. نظارت ویژه مخصوص کشورهای است که به نظر سازمان ملل، کشورهای نامطلوب هستند و این دیکتاتوری‌ترین بخش سازمان ملل به شمار می‌رود، چون خیلی راحت می‌توانند کشوری را نامطلوب قلمداد کنند و آن را تحت نظارت قرار بدهند. متأسفانه کشور ما جزء این کشورهاست، یعنی تحت نظارت ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل قرار دارد؛ از این رو نماینده ویژه‌ای را به ایران می‌فرستادند و می‌فرستند که این نمایندگان گزارش سالانه‌ای را ارائه می‌دهند. این سیستم، سیستم خطرناکی است و لازم است درباره آن توضیح بیشتری بدهم. در سیستم نظارت ویژه، دولت‌های تحت نظارت اختیار چندانی ندارند و اگر سازمان ملل تشخیص بدهد که جامعه‌ای نامطلوب است مثلاً اگر با سازمان ملل مخالفت کنند نامطلوب تشخیص داده می‌شوند، در این صورت نماینده ویژه‌ای را تعیین می‌کند که می‌تواند آزادانه سفر کند و دولت‌ها نمی‌توانند با ورودش به کشور مخالفت کنند، هر چند که عملاً کشورها مخالفت می‌کنند مانند مخالفت ایران با سفر گالیندوپل به ایران. سفر نماینده ویژه به کشورهای تحت نظارت ویژه خطرات جدی دارد. وقتی که نماینده ویژه به داخل کشور می‌آید به این معناست که همیشه از مخالفان سیاسی دولت تحقیق می‌کند. به هر حال اگر داخل کشور بیایند، چنین گزارشی تهیه می‌کنند و اگر اجازه ندهند که وارد کشور شوند، از طریق اپوزیسیون و مخالفان فراری خارج از کشور به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازند و سالانه در مجمع عمومی سازمان ملل می‌خوانند و دولت تحت نظارت هم نمی‌تواند جلو خواندن این گزارش سالانه را در مجمع سازمان ملل بگیرد. وقتی هم گزارش خوانده شد، بلافاصله در پی تحریم‌های اقتصادی و سیاسی - استراتژیک بر می‌آیند. همین گزارش مورد استفاده دولت‌هایی مثل آمریکا هم قرار می‌گیرد. این سیستم خطرناک‌ترین سیستمی است که سازمان ملل طراحی کرده برای کنترل کشورهای انقلابی و یا به قول خودش

کشورهای نامطلوب.

هم اکنون در سازمان ملل پروژه‌ای را تحت عنوان «پروتکل یازده حقوق بشر» در دست تصویب دارند. بر اساس این پروتکل، اگر شهروندان مخالف دولتی شکایتی داشتند، ابتدا شکایت را به دولت ملی خود ارائه می‌کنند، چنانچه از دولت ملی عبور کرد؛ باید به دولت منطقه‌ای برود و اگر از دولت‌های منطقه‌ای هم عبور کرد، سازمان ملل می‌تواند پیگیری کند. به این ترتیب، بحث‌های خطرناکی در کشورهای غربی مطرح می‌شود که به نفع خودشان و زیان کشورهای جهان سوم به خصوص کشورهای اسلامی است، چون از کشورهای اسلامی کسی در سازمان ملل و شورای امنیت نیست و چون مدافعی در آن جا ندارند، غربی‌ها خیلی راحت می‌توانند کشورهای مخالف را دولت‌های نامطلوب قلمداد کرده و به دنبال آن مورد محاصره اقتصادی قرار بدهند؛ البته همان طور که می‌دانید چنین طرح‌هایی هیچ وقت عملی نمی‌شود، چون واقعیت‌های جهان، واقعیت‌های متکثری است و دیگر دولت‌هایی مثل آمریکا یا اروپایی‌ها نمی‌توانند هر چه خواستند انجام دهند، ولی سروصدا کردن‌هایشان تا زمانی که مسلمانان متوجه مباحث‌شان نباشند می‌تواند در سیاست‌های جهانی مشکلی ایجاد نکند. این گزارشی بود در مورد سی و یکمین جلسات حقوق بشر که سازمان ملل در اروپا تشکیل داد.

نکته‌ای که در پایان گزارش از جلسات حقوق بشر لازم است عرض کنم این که امروز اقبال و تلاشی عمومی برای حقوق بشر است. کشورهای اسلامی تاکنون فقط دو سه تا پروتکل را به امضا رسانده‌اند که یکی در اعلامیه الجزایر است، بعدی در اعلامیه قاهره و دیگری دو سال قبل در تهران در کنفرانس سران کشورهای اسلامی. این کشورها هم به سمت منطقه‌گرایی می‌روند، یعنی احتمالاً بتوانند در سال‌های آینده دادگاه‌های منطقه‌ای یا اسلامی را طرح کنند. تحلیل گرانی که در آن جا بودند و یا از کشورهای مسلمان مانند مصر، الجزایر، عربستان، سوریه، لبنان، بنگلادش و پاکستان شرکت کرده بودند، معتقد بودند آسیا آماده یک دادگاه منطقه‌ای حقوق بشر و همین طور یک شورای منطقه‌ای حقوق بشر نخواهد بود، به دو دلیل: اول این

که منطقه آسیا خیلی بزرگ است و دارای دولت‌های بسیار متنوع با سیستم‌های حقوقی متفاوت؛ دوم این که خاورمیانه کانون بحران است و قدرت‌های برتر منافع زیادی در این منطقه دارند، مثلاً ایرانی‌ها چه منفعتی می‌توانند در اروپا داشته باشند، چون احتیاجی به خاکش، آبش و منابع دیگر ندارند، اما آنها به نفت این منطقه و همین‌طور به بازار مصرف این منطقه نیاز دارند. قدرت‌های اروپایی و آمریکایی همیشه سعی می‌کنند تعارض‌های جدی را در منطقه ایجاد کنند که یکی از این تعارض‌ها اسرائیل است. بنابراین این منطقه ظاهراً به سمت دادگاه‌های منطقه‌ای یا شوراهای منطقه‌ای حقوق بشر نخواهد رفت؛ اما تمایلی به طرح سیستم اسلامی حقوق بشر وجود داشت که مطرح هم کرده بودند.

در این مسیر تنها یک مشکل اساسی وجود داشت و آن این که مسلمانان تلقی واحدی از حقوق بشر ندارند، مثلاً بحث‌هایی که ایرانی‌ها از حقوق بشر مطرح می‌کردند بسیار متفاوت از مباحث حقوق بشری بود که عربستان، مصر و یا الجزایر مطرح می‌ساخت، البته درباره حل این مشکل در آن جا بحث‌هایی هم شد.

اما درباره روند گفت و گویی که در سال جدید پیدا شده و در کشورهای اروپایی هم دیده می‌شود نکاتی عرض می‌کنم. متأسفانه کشورهای اروپایی تصور ناقصی از ایران داشتند، مخصوصاً اعضای هیأت علمی و پژوهشگران آنها، چون برای آنها از یک طرف همه رسانه‌ها تبلیغ کرده بودند که ایران آتشفشانی از انقلاب و جنگ است، به طوری که یکی از آنها وقتی فهمید من ایرانی‌ام، گفت که این جنگ‌های ایران هنوز تمام نشده است! در حالی که یازده دوازده سال است که در ایران از جنگ خبری نیست. بعضی مواقع بین ایران (IRAN) و عراق (IRAQ) قاطی می‌کردند که به علت شباهت تلفظ انگلیسی ایران و عراق بود و این مبین شناخت بسیار پایین آنها از ایران بود. علت این بود که ایرانی‌ها در سازمان‌های بین‌المللی کمتر فعالیت می‌کنند.

این روزها آنان شنیدند که ایران شعارهای بزرگی در مورد گفت و گوی تمدن‌ها مطرح کرده است؛ از این رو می‌گفتند ایران پرچمی چند تکه است، معلوم نیست که

کدام آن برتر است، جنگ یا گفت و گوی تمدن‌ها، یعنی هنوز نمی‌دانستند که ایران سال‌هاست از جنگ عبور کرده و نظام با ثباتی را تأسیس کرده است. یک پروفیسور فرانسوی که خیلی خوب انگلیسی حرف می‌زد، پیش آمد و گفت ما می‌دانیم که شما (مشکلی که به زودی حل نمی‌شود) دارید و در جامعه مشکلات زیادی دارید، اما شما فهمیدید که اگر مستقل باشید راحت‌ترید. این را گفت و بعد از ما دعوت کرد که به طبقه - فکر می‌کنم - بیست و ششم برویم. در آن جا گفت که به شما نشان می‌دهم که فرانسه چقدر تحت سلطه آمریکا است. راست می‌گفت، ساختمان‌های بزرگ همه‌اش برای آمریکایی‌ها بود و پرچم‌های بلند آمریکا روی آنها در اهتزاز بود. او خیلی خوشحال بود که ایرانی‌ها مستقل هستند. بنابراین یک گرایش و افری وجود داشت برای شناخت ایران. این نکته جالبی بود؛ اما ما واقعاً توانش را نداشتیم، یعنی تربیت نشده بودیم برای گفت‌وگوهای خیلی طولانی. به این ترتیب اگر دوستان توجه بکنند، از این پس با چنین بحث‌هایی درگیر خواهند شد و باید برای گفت و گوها و مذاکرات طولانی خودشان را آماده کنند، این خیلی می‌تواند کمک کند. واقعاً گرایش عجیبی به گفت‌وگو بود و دوست داشتند بیشتر از ایران بشنوند. جالب این که بعضی مواقع فکر می‌کردند آقای خاتمی پسر آقای خمینی است، یعنی فکر می‌کردند که امام عمامه‌اش سیاه بود پس آقای خاتمی پسر اوست.

جالب است در پایان خاطره‌ای که برایم در فرودگاه زوریخ سوئیس اتفاق افتاد بشنوید. در فرودگاه دنبال جایی بودم که نماز بخوانم. چون در آن جا سگ زیاد تردد داشت آدم به طهارت زمین زیاد اطمینان نمی‌کرد. بالاخره یک گوشه‌ای را پیدا کردم و فقط خواستم سر پا نماز بخوانم. این جوری یک کمی دلم گرفت. تازه داشتم با اشاره رکوع می‌رفتم که دیدم یک نفر صدایم کرد: أنت ایرانی (شما ایرانی هستید). گفتم بله. گفت بیایید جایی را برای نماز پیدا می‌کنم، یک نفر دیگر هم پیدا کرد که افغانی بود. رفتیم جایی که نماز بخوانیم. گفتم شما مهر هم دارید؟ گفت بله و یک مهر کربلا به من داد. داخل قاب‌های سبز پارچه‌ای قرار داده بود. این طوری دلم باز

شد. گفتم حالا قبله کدام طرف است. گفت نمی دانم. مسلمان بود و مهر کربلا هم داشت، اما جهت قبله رانمی دانست! گفتم پس چرا مهر نگه داشتی. گفت مهر یک چیز است و دانستن قبله چیز دیگر، اگر بدانند که من نماز می خوانم مرا از این جا بیرون می کنند، به عنوان تبرک نگه داشته ام. با خود گفتم، خدایا اگر این جمهوری اسلامی هم نباشد که به هر حال صدای اذان و صدای اسلام و خیلی از احکام دین را با رسانه های خود با تلویزیون خود با مسافرت های خود به گوش جهانیان می رساند، بعید می دانم که دیگر اسلامی وجود داشته باشد. من آن جا این دعا را کردم الان هم این دعا را می کنم و شما آمین بگویید. خدایا و خداوندا، تو را قسم می دهیم به روح پاک ائمه معصومین علیهم السلام جمهوری اسلامی ایران را تا قیام امام زمان علیه السلام پایدار نگه دار! الهی آمین. والسلام علیکم ورحمة الله.